



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی - 8 / خرداد / 1374

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را سپاسگزاریم که از عمر بابرکت مجلس چهارم، یک سال مفید دیگر هم گذشت و ما مجدداً این توفیق را پیدا کردیم که دقایقی در خدمت مجموع شما خواهران و برادران - نمایندگان عزیز مجلس شورای اسلامی - باشیم. نظر بنده درباره مجلس چهارم این است که بحمدالله تا این تاریخ، مجلس چهارم کوشش بسیاری کرده است که خود را به اهداف والای نمایندگی از این ملت عزیز، بزرگ و عظیم الشان، و جایگاه حقیقی مجلس شورای اسلامی - چه آنچه که در قانون تصریح شده است و چه آنچه که لازمه آن هست - نزدیک کند و توفیق زیادی هم پیدا کرده است. خوب؛ در نظام ما، مجلس حقاً جایگاه ممتازی دارد. این حقیقتی است که در محیط اسلامی، رأی و خواست مردم، در مسیر، جهتگیری و منش عمومی نظام، تأثیر بنیانی و تعیین کننده ای دارد و باید داشته باشد. پس، این جایگاه بسیار والایی است. یعنی در حقیقت یکی از بزرگترین، مهمترین و حساسترین معابری است که نظم اسلامی، از آن به سمت هدفهای خود عبور می کند. مجلس شورای اسلامی، چنین شأن و جایگاهی دارد.

من چند خصوصیت را در این مجلس دنبال کرده ام. البته بعضی از آن خصوصیات، در مجالس گذشته هم بوده است. ( خداوند نمایندگان دوره های قبل را هم اجر عطا کند و زحمات و تلاشهایشان را به فضل خود مقبول قرار دهد.) بعضی از این خصوصیات هم، از انحصارات این مجلس است. اینها را عرض می کنیم، تا هم مردم خوشحال شوند و حس کنند که بحمدالله، نمایندگان آنها چگونه عمل کرده اند و هم نمونه ای برای کارهای ممتازی که در یک مجلس شورای اسلامی باید انجام گیرد، باشد.

چند نکته است که بنده در نفس و ذهن خودم، روی آنها خیلی تکیه دارم و به آنها معتز و مسرورم. یکی این است که مجلس چهارم، سیاست را با اخلاق ممزوج کرده است و بحمدالله، سیاست را در جهت ضد اخلاقی نکشانیده است. لذا، شما مشاهده می کنید که در مجلس، درس اخلاق هست. مشاهده می کنید که در موضعگیریهای مجلس - چه موضعگیریهای سیاسی و مربوط به جناحهای مختلف فکری، چه موضعگیریهای کاری مربوط به لوايح، طرحها و گفتگوهای داخل مجلس و چه موضعگیری در مقابل مسؤولین - از زبان نماینده مجلس، اشاعه خلاف، گناه و ذکر سوء نمی شود.

بحمدالله، شما مسأله اعتبارنامه ها را که یکی از مسائل مهم بود، خیلی خوب حل کردید. این، چیز بسیار باارزشی است. لذا، تریبون کنونی مجلس، مطلقاً در میان مردم تشنج ایجاد نمی کند؛ بلکه حتی آرامش و سکوت هم به وجود می آورد. این، افتخار بزرگی است که شما دارید.

نکته دومی که در کار این مجلس مشاهده می شود، این است که ضمن این که مجلس با دولت خدمتگزار و بخصوص رئیس دولت و کارهای ارزشمندی که در دولت انجام می گیرد، همکاری دارد، نقش نظارتی خود را هم ایفا می کند، که یک مصداق آن، همین موضوع دیوان محاسبات است. من چه در آن وقتی که در مأموریت ریاست جمهوری مشغول بودم و چه غیر آن زمان، نسبت به دیوان محاسبات، خیلی تأکید و حساسیت داشتم. خوب، بحمدالله، دیوان محاسبات حالا فعال است و کارهایی از قبیل مسأله تفریغ بودجه، نظارت بر بعضی از کارهای مربوط به بودجه کشور و صرف و خرج پول و صرفه جویی را پیگیری می کند. این کارها واقعاً باارزش و خوب است. بدون شک، دولت سالم، خوب و خدمتگزار ما، از نقش مجلس خشنود است؛ چون مجلس در جهت اصلاح امور کشور و ضبط امور مالی - که جای ضبط و انضباط زیادی هم دارد - کمک دولت است.

سرفصل دیگری که بنده به خاطر آن، مجلس را در قلب خودم تحسین کرده ام، واکنش به موقع نسبت به مسائل حساس داخلی و خارجی است. مجلس در مسائل گوناگون - مثل مسأله فرهنگی ماهواره - غایب نیست. خوب؛



البته مسأله ماهواره جزو مسائل اصلي کشور نيست؛ بلکه یک مسأله موسمي، اما مؤثر و حساس است. گاهي بعضي از مسائل، خيلي بنياني اند؛ هرچند در زندگي مردم بروز و ظهور و تأثير عاجلي ندارند. اما بعضي مسائل، آن قدر هم بنياني نيستند؛ بلکه مسائل سطحي اند. مسأله ماهواره، مسأله اي سطحي است؛ اما تأثيرات زياد و مخربي دارد. شما آن جا خودتان را فوراً رسانديد و بنده از بيرون مجلس مراقبت مي کردم. من مباحثات مجلس را گوش و دنبال مي کردم؛ دیدم مجلس با وجدان بيدار و درک صحيح از مسأله ماهواره، با آن مواجه شد. در قضيه برخورد با سياستهاي متعريض استکبار جهاني، برخورد با دولت مستکبر امريکا و در همه دردها و هموم اين ملت، حضور مجلس خيلي مهم است. چيزهايي که ملت به آنها اهتمام مي ورزد، براي ملت مهم است. اين هم يکي از آن سرفصلهاي مهم است که يکي دو مثالش اينها بود. البته مثالهاي زيادي هم دارد که حالا در صدد احصاي آنها نيستيم. یک موضوع ديگر که انصافاً جاي تقدير دارد، همين «برنامه دوم» است که دولت با زحمت قابل تحسيني آن را تقديم مجلس کرد و مجلس، حقاً، با اين برنامه برخوردی جدی و فعال داشت. برنامه، يعني قالب حرکت عمومي کشور. برنامه که امر کوچکی نيست! بودجه سالانه که نيست! برنامه، جهتگيري در همه مسائل است و اهتمام لازم دارد. مجلس هم اهتمام ورزید. من مي دانم که مجلس، وقتي مي بيند که نمي تواند کاري در وقت برساند، تأخير مي اندازد و بعد رسيدگي مي کند. همه اينها، نشانه اهتمام است. مردم وقتي بدانند نمايندگان آنها اين طور عمل مي کنند، خوشحال مي شوند. خوب؛ اين مجلس ماست. حالا شما اين مجلس را، با اين وجدان بيدار، تلاش خوب، فعاليت بموقع و نگرش به مسائل معنوي، با مجالس فرمايشي گذشته اين کشور در دوران طواغيت - که واقعاً نمي شود اسم مجلس بر آنها گذاشت - مقايسه کنيد. واقعاً حيف است که انسان اسم مجلس را ملوث کند به اين که آنها را هم «مجلس» بنامد؛ مگر آن دوره هاي اول. والا اسم مجلس شورا، براي آنچه که در دوران رژيم پهلوي - بعد از دوره چهارم مجلس شوراي ملي سابق - گذشت، بسيار نامناسب است.

مجلس ما را با مجالس دنيا مقايسه کنيد. انصافاً (حالا تا آن حدی که ما مي شناسيم. اگر گوشه و کنار، مجلسي هست که ما خبر نداريم، آن بحث ديگري است) مثل اين مجلس، از لحاظ توجه، دقت، اهتمام، وجدان بيدار، تلاش بجا و نگرش به مسائل معنوي، بنده سراغ ندارم. بحمدالله مجلس ما، با اين خصوصيات، اولين مجلس دنياست. در اين وضعيت، نقش هيأت رئيسه و شخص رئيس محترم مجلس هم، انصافاً نقش ممتازي است. بنده قلباً خدا را شکر مي کنم و ايشان را به طور مرتب و دائم، به خاطر همين اهتمام، و اين که مي بينم بحمدالله والمته، اين زحمات و تلاشها به نتايجي رسیده که براي کشور مؤثر است، دعا مي کنم.

مبادا کسي خيال کند که «حالا ما در مجلس به اين امر بپردازيم يا نپردازيم، در امر کشور چه تأثيري دارد؟» نه آقا! مجموعه همين رفتارهاست که منش کلي مجلس را به وجود مي آورد و منش کلي مجلس، حرکت کشور را به سمت اهداف والاي آن تنظيم مي کند. خوب؛ اينها خصوصياتي است که به خاطرشان بايد خدا را شکر کنيم. شما عزيزان و مسؤولين مجلس هم، بايد نسبت به آنها سپاسگزار باشيد و از آنها تقدير کنيد.

نکته ديگر اين است که بين مجلس شوراي اسلامي و آحاد نمايندگان، فرق هست. يعني اگر ما از مجلس شوراي اسلامي ستايش مي کنيم - که جاي ستايش هم دارد - اين بدین معنا نيست که اين ستايشها، مال همه اعضا و نمايندگان مجلس است. نماينده، بايدها و نبايدهايي دارد. بعضي نمايندگان، به اين بايدها و نبايدها، خيلي پايبندند و بعضي به طور متوسط پايبندند. شايد بعضي هم، خدای ناکرده، کمتر پايبند باشند. اين بايدها و نبايدها را در امر نمايندگي بايد در نظر گرفت. يکي از آنها اين است که نماينده مجلس، چون نماينده اين ملت عزيز است، بايد عزت اين ملت را حفظ کند. بالاخره انتساب به یک جاي بالا و بزرگ، اقتضائاتي دارد. آن کس که فرضاً یک نوجوان معمولي در کوچه و بازار است، یک طور حرکت مي کند. اما همين نوجوان، وقتي پسر فلان آقاي محترم بود، مجبور است طوري ديگر حرکت کند؛ و ناچار، بايد شؤوني را رعايت نمايد و محدوديتهايي را بپذيرد. لذا اگر شما روشي را از



پسر فلان آقا مشاهده کنید، به او ایراد می‌گیرید؛ اما همان کار را اگر از یک نوجوان معمولی در کوچه و بازار ببینید، می‌گویید «حالا نوجوانی است که کاری انجام داده است.»

خوب؛ ما نماینده ملتی هستیم که حقاً و انصافاً مصداق آیه شریفه «کنتم خیر امة اخرجت للناس» است. اگر ملتهای مظلوم دنیا بخواهند به کارنامه یک ملت نگاه کنند و نیرو بگیرند؛ احساس عزت و شرف کنند و درس بگیرند، باید به این ملت نگاه کنند. این، ملتی است که مادر چهار شهیدش، احساس افتخار می‌کند که چهار شهید در راه خدا داده است. این، ملتی است که جانباز و آزاده اش که ده، دوازده سال در زندان دشمن مانده است، به خاطر سربازی اسلام و قرآن، احساس افتخار می‌کند. اینها چنان مقامات بالایی است که اگر واقعاً در زندگی ما اتفاق نیفتاده بود، حق داشتیم باور نکنیم که می‌شود این گونه بود. کما این که خیلی از مجاهدتها، فداکاریها و بزرگ منشیهای صدر اسلام را، وقتی در گذشته در سخنرانیها و گفتارهای خصوصی، نقل می‌کردیم، بعضی - حتی گاهی خود گوینده هایش - ته دلشان خیلی باور نمی‌کردند که همه این جزئیات، همین طور اتفاق افتاده است؛ از بس بزرگ و با عظمت است. آنچه ما امروز می‌بینیم، واقعاً من به شما عرض می‌کنم که در صدر اسلام، در زمان نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم، نمونه‌های نادری دارد. حتی بعضیش اصلاً نمونه ندارد.

این ملت، چنین ملتی است. ما اگر نماینده مجلس شدیم، نماینده این ملتیم. خوب؛ این ملت به این عظمت، جلالت قدر و عزت، از وقتی بنده خدا شد، سر در مقابل غیر خدا فرود نیاورد. شانزده سال است که این ملت به دنبال عبد صالح خدا حرکت کرده و همه قیود بندگی قدرتها، شخصیتها و مقامات را برای خاطر بندگی پروردگار، بریده است. پناه خودش را از همه قطع کرده و به خدای متعال پناه برده است. چنین ملتی، عزیز است. «عزّ جارک.» ای خدای متعال! آن که به تو پناه می‌آورد، عزیز است. خدا پناه آورنده به خودش را وانمی‌گذارد. آن شأن لثام است که کسانی را که به آنها پناهنده می‌شوند و با آنها پیوند دوستی می‌بندند، در گرفتاریها رها می‌کنند. «اکرم الاکرمین» کسی را که به او پناه آورده است، عزیز می‌دارد؛ همچنان که خود او عزیز است. «عزّ جارک و جلّ ثنائک.» همان طور که می‌گوییم «جلّ ثناءالله»، همین طور هم می‌گوییم «عزّ جارالله». باید این عزت حفظ شود. نماینده مجلس نباید خدای ناکرده یک وقت در مقابل کسانی که با این نظام دل همراه ندارند، یا فلان آدم طاغوتی که یک شاهی صئار پول در جیبش است - احیاناً فرض کنید در قضایای انتخابات یک خرج بیخود هم کرده است - سر فرو آورد. یا در مسافرت به حوزه انتخابی، یا فلان نقطه دیگر (احیاناً عرض می‌کنم. این مسائل ممکن است گاهی پیش آید) به جای این که شما را در حسینیه حزب الله و خانه فلان شهید ببینند، خبردار شوند که به خانه فلان آدمی که با انقلاب، نظام اسلامی و با اصل اسلام هیچ رابطه‌ای ندارد یا رابطه خوبی ندارد، رفته آید. این، حفظ عزت اسلام نیست.

خوب؛ این یکی از این بایدها و نبایدهاست. اینها، آن چیزهایی است که مورد توجه است. یا فرض بفرمایید یکی از مسائل مربوط به بایدها و نبایدهای این مجلس، این است که ذره ذره وقت آن، قیمت دارد. وقت نباید هدر برود. بدین صورت که مثلاً در وقت معین، سر این مأموریت حضور نداشته باشیم، یا در هنگام مباحثات، در مباحثات داخل نباشیم. فرض کنید، در حالی که شخصی به دفاع از مسأله‌ای می‌پردازد و دیگری رد می‌کند، ما برای خودمان مشغول مطالعه یا مذاکره باشیم، یا فرصت نمایندگی را برای کارهای غیر نمایندگی مغتنم بشماریم. من عرض می‌کنم: شغل نمایندگی، اعزّ از مشاغل دیگر و قیمت وقت مجلس، حتی از تحصیل علم بالاتر است؛ چه رسد به تحصیل مال یا تأمین آتیه! در داخل مجلس، همه اهتمام باید به کاری باشد که در صحن مجلس یا در داخل کمیسیون می‌گذرد. این، اساس قضیه است. حضور باید تأمین باشد و حتماً همه در مجلس حاضر باشند؛ مگر این که اضطراری باشد. خدای متعال هم در نماز و روزه، اضطرار را به شکلی قبول فرموده است. آن، بحث دیگری است. در غیر موارد اضطراری، همه نمایندگان در سر مأموریتشان حاضر می‌شوند؛ در حالی که استراحت کرده‌اند و برای لایحه



مورد بحثشان، پیش مطالعه کرده اند و آماده اند که راجع به لایحه دولت یا طرحی که در مجلس مطرح است، منصفانه، از روی کمال بینش و دقت و با استفاده از نظرات کارشناسی، نظری بدهند و تصمیمی بگیرند. باید مجلس این گونه باشد. یک دقیقه از وقت این مجلس نباید هدر برود. این قبیل مسائل، جزو شؤون نمایندگی مجلس و چیزهایی است که عزت، عظمت و قرار گرفتن مجلس در موضع حکمت، وابسته به اینهاست، که اگر این رعایت نشود، مجلس از آن پایگاه خواهد افتاد.

خوب، بحمدالله حالا مجادلات بیخودی و پوچ در مجلس نیست. امروز بحمدالله مجلس به این مسائل توجه دارد. وقت مجلس باید به طور کامل صرف شود؛ زیرا به همین خاطر است که نماینده، نماینده است. خوب؛ این هم البته در دنباله این قضیه است که تا آخرین روز نمایندگی، شما نماینده هستید. سال آخر نمایندگی، با سال اول هیچ فرقی ندارد. حالا ما وارد سال آخر می شویم. جلسات سال آخر هم باید از همه جهت، مثل جلسات سال اول باشد. انسان باید با خدا معامله کند و خدای متعال هم آنچه را که مصلحت است تأمین می کند. حالا اگر خیلی هم دلمان بخواهد نماینده شویم، بالاخره باز هم سر و کار با خداست و او بهتر از دیگران می تواند این کار را صورت دهد و به انجام رساند.

غرض؛ بایدها و نبایدهایی هست که من حالا دو، سه مورد از آنها را عرض کردم. خود آقایان، بحمدالله، بدون این که لازم باشد بنده عرض کنم، به این خصوصیات واقفید. بحمدالله اوضاع کشور، در حال حرکت و پیشرفت است. این، برای همه، خبر خیلی خوشی است. ما در حال رکود و عقبگرد نیستیم. این مطلب خیلی مهمی است. البته رکود و توقف هم، به معنای عقبگرد است. کشور، بحمدالله در حال سازندگی است. همه جای کشور نشانه سازندگی مشهود است. فعالین کشور - بخصوص دولت خدمتگزار - همه در حال تلاشند که کارهایی را انجام دهند. مجلس هم در جایگاه و سنگر خودش، این سازندگی، نوسازی، پیشرفت، توسعه و رشد اقتصادی را برنامه ریزی می کند، پیش می برد و قانون می دهد. بحمدالله همه مشغولند. از لحاظ سیاسی وضع ما خوب و از لحاظ اقتصادی در حال تحول، حرکت و پیشرفت است. از لحاظ فرهنگی و اخلاقی، بیداری بر کشور حکمفرماست. از همه بخشها مهمتر و خطرناکتر، همین بخش فرهنگی و اخلاقی است. دشمن متوجه این بخش است. خوب؛ ما در سنگرمان بیداریم. نفس همین که ملتی بیدار باشد، خبر خوبی است. دشمن هم با این وضع نخواهد توانست هیچ کار مؤثری نسبت به این کشور و انقلاب و این ملت انجام دهد. تهدید می کنند؛ تشر می زنند؛ گاهی اوقات مثلاً - فرض بفرمایید - با کارهای نمایشی، مثل حضور نظامی و تعیین یک ناوگان برای فلان جا - که در واقع اینها با گذشته چندان تفاوتی نمی کند قیافه ابرقدرتی می گیرند. خوب؛ اینها حضور غاصبانه ناحق و زورگویانه خودشان را داشتند. می خواهند وانمود کنند که ما در برخورد با مثلاً - فرض کنید - مخالفین خودمان ( عمده نظر هم به اسلام، بیداری اسلامی، نهضت اسلامی و پیشرو این نهضت، یعنی نظام جمهوری اسلامی و دولت و ملت ایران است) جدی هستیم.

این کارها را می کنند؛ اما در واقع ارزش و اهمیتی ندارد. برای ملتی که به خود متکی و به خدا مؤمن است، سنگینی ای ندارد. مگر امریکا در طول این شانزده سال، شده است که بتواند کاری علیه این ملت بکند و نکند؟! مگر می توانند هر وقت هر تصمیمی خواستند بگیرند؟! بالاخره ضرورتهایی در دنیا هست؛ مشکلاتی در دنیا هست. به فضل پروردگار، واقعیتهای موجود، چیزهایی را بر دشمن ما تحمیل می کند. اینها تا آن حدی که توانستند، فشار آوردند. خوب؛ موفق نشدند و بعد از این هم موفق نخواهند شد. این ملت بیدار است. این ملت پایبند به ایمان خود است. این ملت بحمدالله، روش و حرکت و پیشرفتش، هنوز بسیار فراتر از تحلیلهای دشمنان است. ما در تحلیلهای و اظهارنظرهایشان می بینیم که چقدر نسبت به فهم واقعیات این کشور، بر خطا و در غلط و اشتباه هستند. خوب؛ همان تحلیلهای و تصمیم گیریهای خطا را به آنها املا می کنند و تصمیم گیری خطا هم، شکست را بر آنها تحمیل می



کند. لذا، پشت سر هم شکست می‌خورند؛ چون ملت، انقلاب و کشور ما را نمی‌شناسند. خدای متعال اراده کرده است که پرچمش در اهتزاز بماند و دینش عزت پیدا کند. چرا؟ چون مؤمنین به این دین کمر بسته‌اند. این، ست خداست. مال زمان ما هم نیست. در هر زمانی که عده‌ای از مؤمنین به اقامه دین کمر ببندند، خدا به آنها توفیق خواهد داد. این، وعده صریح قرآن و ست لایتغیر الهی است. امروز عده‌ای به اقامه این دین، برافراشتن پرچم دین و تحکیم احکام و قوانین آن کمر بسته‌اند؛ خدای متعال هم اراده اش بر این قرار گرفته است که این خواست را منجز و دست دشمن را کوتاه کند و کوتاه هم خواهد کرد. نگرانی ندارد که کسی در گوشه و کنار، نگران این مسائل باشد. بحمدالله، کشور در حال عزت کامل، در جهت اعتزاز بیشتر و به سمت اهداف الهی، در پیش است. هر کس مشغول انجام وظایف خود است. در این مجموعه، تلاش مقدس و مجاهدت آمیز است. مجلس هم، بحمدالله، مشغول است.

خداوند به همه شما برادران و خواهران عزیز توفیق دهد، زحمات شما را قبول فرماید و تلاشهایتان را مستوجب اجر و ثواب وافر خود قرار دهد. خداوند، نیتهای خالصی را که بحمدالله در جمع شما وجود دارد، برکت بخشد و منشأ آثار فراوان قرار دهد و همه ما را موفق گرداند که بتوانیم با این کارها، قلب مقدس ولی عصر ارواحنا فداه را از خودمان راضی کنیم.  
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.